

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)
دوره ۱۶، شماره ۶۰، تابستان ۱۴۰۳، صص ۲۳۸-۲۵۹
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۴
(مقاله پژوهشی)

DOI:

بررسی تحلیلی و تطبیقی عنصر لحن در سمک عیار و کنت مونت کریستو طاهره حسنی^۱، دکتر محمدعلی داودآبادی فراهانی^۲، دکتر محمدرضا قاری^۳

چکیده

یکی از مقوله‌هایی که در بررسی آثار ادبی بسیار مورد توجه پژوهشگران قرار می‌گیرد، واکاوی لحن می‌باشد؛ به این صورت که لحن حاکم بر متن را از نظر تناسب یا عدم تناسب آن با مضمون و محتوای آن متن ارزیابی می‌کنند. مقاله حاضر به بررسی تطبیقی عنصر لحن در رمانس‌های سمک عیار و کنت مونت کریستو پرداخته است. سمک عیار یکی از بارزترین آثار مثنوی ادبیات فارسی و مربوط به قرن ششم هجری و کنت مونت کریستو اثر الکساندر دوما نوشته شده در قرن نوزده میلادی است. در پژوهش حاضر که از نوع تطبیقی است و با رهیافت توصیفی تحلیلی و استناد به منابع کتابخانه‌ای نوشته شده، شیوه کاربست عنصر لحن در دو اثر مذکور واکاوی شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، در سمک عیار بیشتر لحن عامیانه به کار رفته، در حالی که کنت مونت کریستو بیشتر به لحن رسمی متمایل است. ناگفته نماند که در این دو اثر، لحن افراد با موقعیت‌های خاص عاطفی در داستان مانند شادی‌ها، سوگواری‌ها، رویدادهای عاشقانه و نیز با مؤلفه‌هایی همچون سن و سواد، طبقه اجتماعی، فردیت و شخصیت‌های داستان ... تطابق دارد. لحن در فراز و فرودهای روایت (جنگ‌ها، پیروزی‌ها، شکست‌ها) فضای بسیار مناسبی را ایجاد کرده است.

کلیدواژه‌ها: لحن، رمانس، ادبیات تطبیقی، سمک عیار، کنت مونت کریستو.

^۱ مربی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

مقدمه

کاربرد مناسب عناصر داستان در قصه‌ها، رمانس‌ها و رمان‌ها باعث ممتاز شدن آن‌ها می‌شود؛ نویسندگان از هر عنصر می‌توانند به گونه‌ای استفاده کنند که علاوه بر افزایش زیبایی‌های فنی آثار آن‌ها، ارتباط موثری با مخاطبان ایجاد کنند. سمک عیار و کنت مونت کریستو دو اثر ادبی مشهور و پرمغز هستند که نویسندگان آن‌ها از عناصر داستان به نحو مطلوبی استفاده کرده‌اند؛ یکی از این عناصر که سهم بسزایی در انتقال دقیق و مناسب مفاهیم دارد، عنصر لحن می‌باشد که نویسندگان این دو اثر تلاش کرده‌اند با کاربست صحیح این عنصر، بر پویایی و گیرایی اثر خود بیفزایند. مهم‌ترین مسأله این پژوهش بررسی کارکردهای لحن به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر داستان در سمک عیار و کنت مونت کریستو و نقش آن در انتقال معانی و مفاهیم غالب بر این دو اثر است. از آنجایی که قابلیت تطبیق این دو اثر با آثار مشابه در دیگر زبان‌ها مورد توجه پژوهشگران نبوده است ضرورت تطبیق این دو اثر ارزشمند احساس شد. در این مقاله پس از مطالعه سمک عیار و کنت مونت کریستو به بررسی تحلیلی عنصر لحن در سمک عیار و کنت مونت کریستو مورد بررسی قرار گرفته است تا به سؤالات پژوهشی ذیل پاسخ داده شود:

۱- نمود عنصر لحن در کدام یک از موقعیت‌ها و پدیده‌های موجود در سمک عیار و کنت مونت کریستو مشهود است؟

۲- چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در لحن سمک عیار و کنت مونت کریستو وجود دارد؟

هدف از نگارش این مقاله آشنا ساختن مخاطبان با کاربرد عنصر لحن در این دو اثر ادبی ایرانی و فرانسوی می‌باشد و با تلاش جهت پاسخ به سؤالات مذکور، این هدف دنبال شده است.

پیشینه تحقیق

بدون تردید علاقه وافر به ادبیات داستانی، سبب گرایش پژوهشگران به آثار مربوط به این شاخه گردیده و تاکنون پژوهش‌های متعددی در رابطه با داستان سمک عیار نوشته شده، اما پیرامون کنت مونت کریستو که اثری فرانسوی است از نظر پژوهش در ایران مغفول مانده و به تبع، نقد و بررسی آن نیز کمتر مورد توجه بوده است. در ذیل به برخی از آثاری که به واکاوی سمک عیار پرداخته‌اند، اشاره شده است:

راضیه یاقوت، پایان نامه با عنوان بررسی شخصیت‌های داستان سمک عیار را در سال ۱۳۸۹، در دانشگاه اصفهان از منظر شخصیت‌پردازی قهرمانان مورد تحلیل قرار داده. سعید حسام‌پور، مقاله شیوه قصه‌گویی در سمک عیار و مقایسه آن با سه داستان عامه‌عیاری را براساس الگوی چتمن در سال ۱۳۹۶، در مجله ادب عامه تربیت مدرس تحلیل کرده است. عباس خائفی و جعفر فیضی‌گنجین مقاله تجزیه و تحلیل قصه سمک عیار براساس نظریه ولادیمیر پراپ را سال ۱۳۸۶، در مجله پژوهش‌های ادبی مورد کاوش قرار داده‌اند. طاهره حسینی، محمدعلی داودآبادی فراهانی و محمدرضا قاری، مقاله بررسی گفتگوی شخصیت‌ها در سمک عیار را سال ۱۳۹۹، در مجله سبک‌شناسی نظم و نثر به تحلیل کارکرد عنصر گفتگو در این اثر پرداخته‌اند. یدالله جلالی پنداری و رقیه حسینی، مقاله بررسی حیل‌ها و ترفندهای قدیمی در سمک عیار را در سال ۱۳۹۱، در مجله جستارهای ادبی مورد واکاوی قرار داده‌اند. تاکنون پژوهشی در ارتباط با تطبیق عنصر لحن در سمک عیار و کنت مونت کریستو انجام نشده است. نگارندگان با بررسی عنصر لحن در این آثار سعی در گشودن دریچه‌ای برای پژوهشگران دارند.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله با تکیه بر مطالعه رمانس‌های سمک عیار و کنت مونت کریستو و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای مربوط به عناصر داستان توصیفی-تحلیلی و روش تطبیقی است. ابتدا متن سمک عیار و کنت مونت کریستو مطالعه شده و سپس با استناد به کتاب‌های مربوط به عناصر داستان، کارکرد عنصر لحن در آن‌ها بررسی و تحلیل شده است.

مبانی تحقیق

لحن

هر داستانی که می‌خوانیم، از عناصر متعددی تشکیل شده که هر یک به نوعی در افزایش ارزش هنری و نیز کمک به انتقال معانی مفاهیم غالب بر آن مؤثر هستند؛ یکی از این عناصر «لحن» است. در تعریف این عنصر چنین آمده است که: «لحن، شیوه پرداخت نویسنده نسبت به اثر است به طوری که خواننده آن را حدس بزند.» (میرصادقی، ۱۳۹۲: ۵۲۳) «در حوزه داستان‌نویسی، لحن طرز برخورد نویسنده یا شاعر است نسبت به موضوع داستان به طوری که خواننده بتواند آن را متوجه شود.» (داد، ۱۳۹۲: ۲۱۳) در تصدیق نقش عنصر لحن در نقل صحیح و مناسب مفاهیم همین بس که گفته شده «لحن شگردهایی است که داستان‌نویس به کار

می‌برد تا در داستانش حال و هوای خاصی پدید آورد. به مثل حال و هوای تراژیک یا کمیک یا رمانتیک. (ایرانی، ۱۳۸۰: ۵۹۶) همچنین این عنصر تا حدود بسیار زیادی به خواننده کمک می‌کند تا روحيات و عقاید نویسنده داستان را بشناسد. «لحن، به ویژه در روایت داستانی، دو سویه دارد: نخست لحن عمومی اثر که نشان‌دهنده جهان‌بینی نویسنده و جهت‌گیری او نسبت به موضوع است؛ دوم لحن شخصیت‌ها و جایگاه آن در داستان.» (رضوانیان و محمدی نوسر، ۱۳۹۲: ۱۱۶) «لحن می‌تواند بسیاری از شخصیت‌ها را معرفی کند. البته شخصیت‌ها نیز لحن داستان را به وجود می‌آورند.» (صحرائی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۸)

رمانس

ادبیات داستانی طیف بسیار گسترده‌ای دارد و انواع مختلفی را شامل می‌شود که هر کدام از آن‌ها تفاوت‌هایی با هم دارند. رمانس یکی از زیرمجموعه‌های ادبیات داستانی است؛ بیر در تعریف رمانس می‌گوید: «طبق واژه نامه جانسون، رمانس افسانه‌ای رزمی از قرون وسطاست حکایتی از ماجراهای اعجاب‌انگیز عشق و شهنشوار؛ از نظر او، رمانس دنیای خود جهت داری را ارائه می‌دهد که از قوانین خاص خود پیروی کرده و تنها دورادور به دنیای واقعی مربوط می‌شود.» (بیر، ۱۳۸۹: ۷۳). در رابطه با ماهیت و شیوه بیان مطالب در رمانس چنین گفته شده که «رمانس نویس بیشتر اندیشه‌هایش را درباره جهان عرضه می‌دارد تا تأثیراتش را از آن جهان متعارف از فاصله‌ای دورتر دیده می‌شود.» (اسکولز، ۱۳۹۵: ۱۰) در نتیجه می‌توان گفت رمانس‌ها تا حدود زیادی از واقعیت دور می‌باشند؛ منشا رمانس‌ها قصه‌های عامیانه بودند که بعد از اسطوره و قبل از رمان به وجود آمدند.

ادبیات تطبیقی

ادبیات تطبیقی یکی از رویکردهای مهم در حوزه بررسی آثار ادبی است که به بررسی آفرینش‌های ادبی مربوط به ملت‌های مختلف می‌پردازد و چه بسا آثار مورد بحث در حیطه ادبیات تطبیقی از نظر فاصله زمانی با هم اختلاف مشهودی داشته باشند. پیرامون نقش ادبیات تطبیقی در شناسایی ادبیات ملل مختلف چنین گفته شده که «مرز میان ادبیات یک کشور با ادبیات دیگر کشورها در قلمرو پژوهش‌های تطبیقی است» (آذر، ۱۳۸۷: ۲۵). این رویکرد ادبی که به نقد از آثار می‌پردازد، گاهی به ناچار وارد عرصه تاریخ و واکاوی شرایط تاریخی دو سرزمین نیز می‌گردد. «ادبیات تطبیقی سخن از پیوند ادبیات دو یا چند ملت با یکدیگر است.»

(گویارد، ۱۳۷۴: ۲۱) ادبیات تطبیقی دو رویکرد دارد؛ نخست رویکرد فرانسوی که در پی شناخت هم‌مانندی میان ادبیات در زبان‌های مختلف است و سپس مکتب آمریکایی به تاثیر آثار ادبی با دیگر دانش‌ها می‌پردازد. «گستره‌های ادبیات تطبیقی متنوع و گوناگون است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مقایسه انواع ادبی مانند قصه، نمایشنامه، مقاله و... میان ادبیات ملت‌هاست» (جمال‌الدین، ۱۳۸۹: ۹)

در ذیل رمانس سمک عیار و کنت مونت کریستو معرفی می‌شود.

سمک عیار

سمک عیار از کهن‌ترین قصه‌های عامیانه ادب فارسی در قرن ششم هجری است که فرامرز بن خداداد الکاتب الارجانی آن را نوشته است. موضوع داستان پسر شاه حلب است که دل‌باخته دختر فغفور شاه چین شد و به چین رفت و درگیر کشمکش‌هایی شد و سپس به جنگ ماچین رفت، پس از نبردهای طولانی، خورشیدشاه و مه‌پری با یاری سمک که از عیاران شجاع بود؛ به وصال رسیدند. (رک: خانلری، ۱۳۶۳: ۶-۷) اهمیت این داستان چنان است که گفته شده «سخن گفتن درباره قهرمانان قصه‌های عیاری بدون توجه به داستان سمک عیار چندان اعتباری ندارد. در این داستان علاوه بر شرح دل‌آوری‌های عیاران و جوانمردان به آداب و رسوم اجتماعی این گروه نیز اشاره گردیده است.» (کیا، ۱۳۷۵: ۸۱) «این داستان درباره کارسازی‌های سمک و عیاران دیگر مانند «شغال پیل‌زور»، «روز افزون»، «گلبوی گلرخ»، «هرمزکیل»، «شاهک»، «سرخ‌ورد»، «آتشک»، «سرخ کافر»، «فرخ‌روز» و صدها زن و مرد عیار-پیشه داستان است.» (افخمی عقدا و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰۶ - ۲۰۵)

کنت مونت کریستو

کنت مونت کریستو رمانسی از الکساندر دوما نویسنده فرانسوی در سال ۱۸۴۵ است که توسط ذبیح الله منصوروی سال ۱۳۷۹ به فارسی ترجمه شده است. ادمون دانتس شخصیت اول داستان که روز ازدواجش، بر اثر حسادت رقیب عشقی (فرنان)، تجاری (دانگلار) و جاه‌طلبی قاضی ویلفور به اتهام طرفداری از ناپلئون مدت چهارده سال به حبس می‌افتد؛ در سیاه‌چال آبه‌فاریا، نقشه گنج جزیره مونت کریستو را در اختیار او می‌گذارد. دانتس با طرح بسیار ماهرانه‌ای از زندان می‌گریزد، گنج را به دست می‌آورد، و برای انتقام به پاریس می‌رود. (رک: منصوروی، ج ۱، ۱۳۸۹: ۱۷) زبان فاخر این اثر قدرت دوما را در نویسندگی نشان می‌دهد که

باعث شهرت و استقبال از آثار او در بین مردم شده است. «کتاب لوکنت-دو- مونت کریستو بدون مبالغه یکی از کتاب‌های شیرین جهان است که هرگز کهنه نمی‌شود.» (همان: ۱۸)

بحث

پس از خوانش و بررسی دو رمانس سمک عیار و کنت مونت کریستو این‌گونه برداشت شد که در کنار سایر عناصر داستانی، لحن یکی از مهم‌ترین عناصر داستانی در این دو اثر است؛ «به طور کلی شناخت هر ساختار داستانی به شناخت عناصر تشکیل‌دهنده آن و درک روابط و مناسبات میان عناصر آن داستان بستگی دارد.» (امینی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵) چون در سمک عیار و کنت مونت کریستو راوی دانای کل نامحدود می‌باشد و نویسنده بر همه چیز احاطه دارد و هر جا بخواهد حضور دارد، لحن شخصیت‌ها با دیالوگ و گاهی مونولوگ روایت داستانی را از یکنواختی درآورده و به این آثار پویایی و جنب و جوش داده است، به طوری که خواننده با شخصیت‌های داستانی همذات‌پنداری می‌کند و همراه آن‌ها به هیجان می‌آید. در ادامه برای شناخت و تحلیل سمک عیار و کنت مونت کریستو، لحن شخصیت‌ها با شاخص‌های کلی از جمله تطابق لحن افراد با موقعیت‌های خاص عاطفی داستان، پرداخت ساختمان‌دانه لحن در فراز و فرودهای روایت به نحوی که ایجاد فضا کند، تطابق لحن و صدای افراد با سن و سواد و فردیت و شخصیت، همراه با زیر مجموعه‌هایشان با ذکر نمونه‌هایی مورد واکاوری قرار می‌گیرد.

تطابق لحن افراد با موقعیت‌های خاص عاطفی داستان

هر گفتاری خواه شفاهی باشد خواه مکتوب، با لحن خاصی بیان می‌گردد و گوینده باید تلاش کند که لحن وی با مقصودش هماهنگ باشد. در این دو اثر مشاهده می‌کنیم که همواره لحن افراد براساس موقعیت‌های خاص عاطفی داستان تغییر می‌کند که این مقوله به تفصیل در ادامه ارزیابی شده است.

شادی در سمک عیار

شخصیت‌ها وقتی در موقعیت‌های عاطفی با هم صحبت می‌کنند از لحن آن‌ها احساسات‌شان را درک می‌کنیم؛ به این صورت که در هنگام شادی لحن افراد شادمانه می‌شود و رنگ مهربانی به خود می‌گیرد؛ به عنوان مثال وقتی سمک عیار مه‌پری را از قلعه فلکی نجات می‌دهد و قلعه را به چنگ می‌آورد از لحن او پی به شادبودنش می‌بریم، نمود این سخن در این داستان آن-

جاست که نویسنده می‌گوید: «سمک عیار گفت ای پهلوان، کاری کردی سخت نیکو. اکنون پیش خورشیدشاه باید رفتن و مژدگانی ببردن. نیال گفت فرمانبردارم...وزان جایگاه مه‌پری با سمک عیار گفت اکنون برخیز تا برویم. سمک گفت ای ملکه، ما را چنین نباید رفتن تا شاه بیاید و قلعه بدو تسلیم کنیم و ترا کار بسازیم. صبر کن که نیال را برین کار فرستاده.» (ارجانی، ۱۳۶۳: ج ۱: ۲۰۳) سمک با لحن شادمانه نیال را نزد خورشیدشاه می‌فرستد که خبر خوش را به او برساند، می‌بینیم که در اینجا لحن سمک سرخوشانه و شادمانه است؛ از جمله الفظی که بر لحن شادمانه غالب بر این سخن صحه می‌گذارد، می‌توان به کلماتی مانند «نیکو» و «مژدگانی» اشاره کرد که به خوبی نشان می‌دهد سمک از این اتفاقی که افتاده بسیار شاد و خشنود است و سعی دارد این احساس شادی را در لحن خود نیز آشکار سازد.

شادی در کنت مونت کریستو

در رابطه با غلبه لحن شاد بر کلام شخصیت‌ها در کنت مونت کریستو باید گفت وقتی بعد از حوادث بسیاری که برای ماکزیمیلیان مورل و والانتین اتفاق می‌افتد کنت مونت کریستو باعث وصال آن‌ها می‌شود و ثروتش را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد تا با آرامش زندگی مشترک را شروع کنند، لحن شادی آن‌ها را در این موقعیت مشاهده می‌کنیم. «کنت گفت: «والانتین» «Valentine» من به شما تبریک می‌گویم که برای زندگی مشترک مردی مثل «مورل» «Morrel» را انتخاب کرده‌اید... «والانتین» گفت آقای «کنت» من از صمیم قلب از کمک و محبتی که شما نسبت به من کرده‌اید سپاسگزار هستم و با نهایت خلوص عقیده می‌گویم که مرا خوشبخت کردید.» (دوما، ۱۳۸۹، ج ۳: ۷۶۹-۷۶۸) لحن کنت مونت کریستو صمیمی و محبت‌آمیز است، لحن والانتین سرشار از شادی و خوشحالی است. لحن حاکی از شادی و خوشحالی در عبارات زیر در قالب عبارت «من به شما تبریک می‌گویم» و نیز آن‌جا که می‌خواهد تشکر کند از اصطلاح «من از صمیم قلب» کمک می‌گیرد و نیز جایی که به طرف مقابل می‌گوید «مرا خوشبخت کردید» با کاربرد این الفاظ به وضوح لحن شادی غالب بر کلام وی فهمیده می‌شود. لحن شادی در سمک عیار و کنت مونت کریستو به دلیل رخ دادن اتفاقات گوناگون در موقعیت‌هایی که موفقیت و یا دستاوردی داشتند، شاد می‌شود. با یک نگاه تطبیقی به کاربرد لحن شادی در این دو اثر می‌توان گفت؛ در سمک عیار شادی بیشتر با توصیف راوی نمایش

داده می‌شود ولی در کنت مونت کریستو به‌خاطر گفتگوهای طولانی شادی بیشتر در لحن شخصیت‌ها نمود دارد.

سوگواری در سمک عیار

فراز و نشیب‌های فراوانی که در رمانس سمک عیار رخ می‌دهد، آن را به عرصه‌ای برای نمایش دادن لحظات شادی و غم تبدیل کرده است و سهم سوگ و توصیف حالات سوگواری از بخش‌های جدایی ناپذیر این اثر محسوب می‌شود. در داستان مذکور صحنه‌های سوگواری زیادی را می‌بینیم که در آن‌ها لحن شخصیت‌ها نشان‌دهنده موقعیتی حزن‌انگیز و ناراحت کننده هستند؛ به طور مثال تاج‌دخت، سر همسر فرخ‌رو گلبوی را بریده بود، فرخ‌روز از دیدن این صحنه دچار حالتی جنون آمیز شده بود و با لحنی حزن‌انگیز تمام اطرافیان را متأثر می‌کرد؛ نمود این حالت در سمک عیار در عبارت ذیل آمده است: «می‌گفت: ای دلارام من، و ای وفادار و مهربان من، و ای جان و دل من، ای مشفق و غمگسار من، این چه معاملت بود که با تو کردند؟ کدام دل بود که بر تو او را رحمت نیامد؟ کدام بیدارگر بود که این ظلم بر تو کرد و بر جان من داغ نهاد؟ نه با من عهد کرده بودی که هرگز از تو نبرم و دوری از تو نجویم، و ترا نگذارم؟ با من سخن‌گوی، آخر من فرخ‌روز توام؛ چون به من رسیدی زود از بر من برفتی.» (ارجانی، ۱۳۶۳، ج ۵: ۴۸۵) در اینجا ملاحظه می‌کنیم که لحن فرخ‌روز بسیار محزون است؛ زیرا استفاده از الفاظی مانند «بیدارگر» و «ظلم» برای توصیف قاتل عمل وی و نیز ذکر واژگانی همچون «دلارام»، «وفادار»، «مهربان»، «جان و دل»، «مشفق» و «غمگسار» برای توصیف شخصی که از دست رفته است به خوبی بیانگر احساس ناراحتی فرخ‌روز از این حادثه است و لحن وی به بهترین شکل درک می‌گردد.

سوگواری در کنت مونت کریستو

سوگ و سوگواری از جمله حوادث بارز کنت مونت کریستو می‌باشد و غم و اندوه نیز در کنار شادی بر غنای این اثر افزوده است. لحن شخصیت‌ها در سوگواری‌ها در رمانس کنت مونت کریستو، غم و اندوه را به مخاطبان هم انتقال می‌دهد و این از قدرت لحن شخصیت‌هاست؛ به طور مثال می‌بینیم که در هنگام سکتۀ آبه‌فاریا، دانتس بسیار آشفته بود و فریاد و ناله سر می‌داد زیرا تنها همدم و امید دانتس در زندان، آبه‌فاریا «Abbe faria» بود، که برایش در جایگاه پدر بود و در هنگام درد و رنج دانتس را آرام می‌کرد. «دانتس که سرگشته

شده بود گفت نه...نه... خداحافظی نکنید... خدایا به فریاد برس... خدایا این موقع ما را تنها نگذار... و به او کمک کن که زنده بماند و بعد بی اختیار بانگ زد کمک کنید... کمک کنید... ناگهان پیرمرد سالخورده بلند شد و با صدایی وحشت‌آور و بریده کلماتی جویده گفت آه... مرگ من نزدیک شد و من آن را می‌بینم و چشم‌هایم از نور افتاد و عقل و حواس از من دور می‌شود... دانتس دست خود را به من بدهید که برای آخرین مرتبه بفشارم... خداحافظ... خداحافظ...» (دوما، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۷۶). با دقت در این نمونه به خوبی فهمیده می‌شود که درخواست دانتس از خداوند برای اینکه وی را تنها نگذارد و به فریاد او برسد و همچنین کمک خواستن وی از دیگران، لحن غالب بر این بخش از داستان را نشان می‌دهد و خواننده می‌تواند خود را در آن فضا تصور کند و با شخصیت داستان همذات‌پنداری نماید.

در مقایسه لحن سوگواری در این دو اثر باید گفت لحن سوگواری در سمک عیار واقعی که حادثه‌ای رخ می‌دهد از زبان شخصیت‌ها بسیار سوزناک‌تر و تأثیربرانگیزتر است؛ زیرا در مواردی که راوی داستان، عزاداری را وصف می‌کند، به اندازه زمانی که خود شخصیت‌ها به توصیف لحظات سوگ و حالات خود در آن موقعیت می‌پردازند، لحن سوزناکی را مشاهده و درک نمی‌کنیم. در کنت مونت کریستو هم لحن شخصیت‌ها در سوگواری‌ها دردآور و ناراحت‌کننده است و بر مخاطب تأثیرگذار است.

عاطفی و عاشقانه در سمک عیار

سمک عیار پر است از حوادث مختلف و متنوع که یکی از آن‌ها مقوله عشق می‌باشد و با توجه به نمود وافر این مقوله در این اثر می‌توان گفت لحن شخصیت‌ها در موقعیت‌های عاطفی و عاشقانه بسیار احساسی و دلربا می‌شود؛ به عنوان مثال خورشیدشاه پسر مرزبان‌شاه که با دیدن مه‌پری دختر فغفور چین شیفته او شده بود، در بیان احساسات خود چنین می‌گوید: «شاهزاده چون آواز دختر شنید که با وی سخن می‌گفت نشاطی به دل وی برآمد. زبان بگشاد، گفت ای دلارام در تو بازماندم بگو تا تو کیستی بدین جمال و خوبی. مگر حوری، ترا از بهشت، رضوان به تماشا فرستاده است یا مگر مهتر پریانی. از بهر آنکه تا من بوده‌ام چون تو آدمی ندیده‌ام.» (ارجانی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۹). با دقت در این عبارات می‌توان گفت لحن خورشیدشاه در مواجهه با مه‌پری احساساتی و عاشقانه است به گونه‌ای که جملات موزون و زیبایی بر زبانش جاری

می‌شود؛ کاربرد واژگانی مانند «دلارام»، «حوری»، «مهر پریان» به خوبی دال بر عشق و دلدادگی است و بار معنایی این واژگان بر لحن عاشقانه غالب بر این عبارات افزوده است.

عاطفی و عاشقانه در کنت مونت کریستو

از آن‌جا که رمانس کنت مونت کریستو نیز حول مضامین عشق و دلدادگی نیز می‌چرخد، نیز باید گفت لحن‌های احساسی و عاشقانه در این اثر جلوه‌های خاصی دارند و بسیار جذاب و گیرا هستند؛ مثلاً وقتی دادمون دانتس «Edmond dante» از سفرش از دریا بازگشت بدون اطلاع قبلی به دیدار عشقش مرسدس «Mercedes» رفت؛ هنگام مواجهه با هم هر دو به وجد آمدند. «دختر جوان وقتی این صدا را شنید... دیگر دختر جوان معطل نشد و به طرف در دویده آن را گشود و فریاد زد ادمون... ادمون... این منم... خوش آمدید... آن دو نفر از فرط سعادت و شادی نمی‌توانستند حرف بزنند و فقط صداهایی مقطع، از دهان آنها بیرون می‌آمد.» (دوما، ۱۳۸۹، ج ۱: ۶۴) لحن مرسدس از برگشت غیرمنتظره دانتس از سفر احساساتی و هیجانی است.

با واکاوی این عبارت چنین برداشت می‌شود که وقتی مرسدس با دیدن ادمون، به جای آرام صدا زدن، شروع می‌کند به فریاد زدن و نیز صحبت کردن با صداهایی مقطع که راوی داستان آن را بیان می‌کند؛ دلیل محکمی بر صدق این مدعا است که در این بخش از داستان لحن عاطفی و عاشقانه غلبه دارد.

پس از تطبیق لحن در این دو اثر می‌توان چنین گفت که لحن عاطفی و عاشقانه در دو اثر مورد بحث احساس می‌شود با این تفاوت که در سمک عیار موقعیت‌هایی که بین عشاق پیش می‌آید در صحبت‌هایشان بسیار جذاب و احساسی است زیرا از جمله‌ها و عبارات‌های موزون استفاده می‌کنند، ولی در کنت مونت کریستو راوی بیشتر صحنه‌های عاشقانه را در قالب خطاب قرار دادن و صدا زدن معشوق بیان می‌کند.

پرداخت ساختمندانه‌ی لحن در فراز و فرودهای روایت به نحوی که ایجاد فضا کند

آن‌گاه که سخن از ساخت و ساختار به میان آید، نخستین چیزی که ذهن متبادر می‌شود همان تناسب و چینش صحیح اجزای یک مجموعه است؛ در رابطه با ساختار و ساختمندی داستان باید گفت منظور از تناسب در این نوع ادبی یعنی اینکه در میان اجزای آن نوعی همگونی و سنخیت وجود داشته باشد؛ به عنوان مثال لحن با فضا و مضمون و محتوا و... در داستان در یک جهت و برای رسیدن به یک هدف مشترک باشد. پرداخت ساختمندانه‌ی لحن در فراز و فرودهای

روایت به نحوی که ایجاد فضا کند شامل جنگ‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌ها می‌باشد که در ادامه در سمک عیار و کنت مونت کریستو با ذکر نمونه‌هایی بررسی شده است.

جنگ در سمک عیار

داستان سمک عیار لبریز از حوادث مختلفی است که جنگ نیز یکی از آن‌ها است و با توجه به غنای فنی این اثر باید به واکاوی و بیان میزان تناسب لحن داستان با حوادث جنگی آن نیز پرداخته شود؛ شکل لحن در صحنه‌های جنگ در سمک عیار خشن و تند است، همانطور که در بخشی از داستان می‌خوانیم که قزل‌ملک پسر ارمنشاه در جنگی که با خورشیدشاه شاهزاده حلب درگیر است، فرخ‌روز برادر خورشیدشاه را به اسارت می‌گیرد و به شهران وزیر که او را به آرامش فرا می‌خواند، با لحنی عامیانه توهین می‌کند و فرخ‌روز برادر خورشیدشاه را به قتل می‌رساند. لحن تند و خشن قزل‌ملک را در این صحنه در قالب عبارات ذیل مشهود است:

«قزل‌ملک طیره شد. گفت: ای پیر نادان، بدین تدبیرها می‌خواهی که ملک پدر من بر باد آید؟ شمشیر بر اسب آمد. اسب به دو نیم شد قزل‌ملک همچنان تیغ بر دست بود، بزد و سر فرخ‌روز از تن بینداخت.» (ارجانی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۶۵). در این عبارات تعبیر «ای پیر نادان» به خوبی لحن عامیانه و عصبانی قزل‌ملک را نشان می‌دهد که از سر جوانی و جهالت هم شاهزاده اسیری را به قتل می‌رساند و هم به شهران وزیر اهانت می‌کند؛ اگر نیک بنگریم به وضوح متوجه می‌شویم که جملات کوتاه موجود در این عبارت نیز بر لحن تند و حاکی از خشم و عصبانیت گوینده دلالت دارند و تناسب میان ساختار کلام و لحن آن به بهترین شکل رعایت شده است.

جنگ در کنت مونت کریستو

لحن شخصیت‌های کنت مونت کریستو در توصیف صحنه‌های جنگ مشهود است؛ به عنوان مثال دانتس وقتی از مسببین گرفتار شدنش که به ناحق او را حبس انداختند انتقام گرفت، خطاب به مرسدس چنین گفت: «ولی در قلب من خدای تبارک و تعالی قرار داشت و دست خدا می‌خواست روی گناهکاران فرود بیاید و من نمی‌توانستم که از فرود آمدن دست خدا ممانعت نمایم. وقتی قرار است که صاعقه خشم و انتقام خدا روی کسی فرود بیاید انسان نمی‌تواند از هبوط آن جلوگیری کند.» (دوما، ۱۳۸۹، ج ۳: ۶۷۶) دانتس که زخم خورده فرنان و دانگلار و ویلفور بود و برای انتقام گرفتن از آن‌ها از زندان فرار کرد با لحنی فلسفی مخاطب را

متقاعد می‌کند و این لحن فلسفی به خوبی با ساختار و موضوع حاکم بر این بخش که تأکید بر اراده الهی و تقدیر آدمی است، تناسب دارد.

در تطبیق نمود لحن جنگ در دو اثر می‌توان گفت در سمک عیار هنگام رویارویی شخصیت‌ها با یکدیگر لحن کلام آن‌ها آمیخته با غرور، تمسخر و گاه تهدید است، در کنت مونت کریستو هم لحن شخصیت‌ها در تقابل‌ها تمسخرآمیز و همراه با تحقیر است با این تفاوت که لحن شخصیت‌ها در کنت مونت کریستو در موقعیت‌های جنگی گاه فلسفی همراه با بحث انتقام و استدلال و مشاجره است.

پیروزی در سمک عیار

در صحنه‌هایی که در سمک عیار پهلوانان به پیروزی می‌رسند لحن شخصیت‌ها نمودی از شادی و غرور دارد چنان که می‌بینیم، سمک مشهور به عالم‌افروز پس از پیروزی بر ارمنشاه و زلزال شاه این گونه با مرزبان‌شاه صحبت می‌کند و با خوشحالی مرزبان‌شاه را به عدالت فرا می‌خواند: «مرزبان‌شاه از کدخدایان، احوال ارمنشاه می‌پرسید که به چه رسید؛ گفتند به شهرستان عقاب رفتند. عالم‌افروز هم در ساعت گفت ای بزرگوار شاه، به سعادت چون خاور کوه بگشادیم. ترا نباید آموخت. ترتیب شهر بساز و سپاه را برگ بر قاعده فرمای و هر که می‌باید داشتن در خدمت بازگیر و هر که می‌خواهد که به ولایت خود رود او را چنانکه می‌باید فرستادن باز فرست و دوستان ما را نوازش کن.» (ارجانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۶۰) لحن عالم‌افروز در اینجا شادمانه و صمیمی است، فضا سازی در اینجا با فراز در روایت نمود قوی دارد؛ در این نمونه استفاده از عبارتی مانند «به سعادت چون خاور کوه بگشادیم» بیانگر حالت پیروزی شخصیت داستان است و اینکه مخاطب وی به حدی از پیروزی رسیده است که هرآنچه را اراده کند، می‌تواند به دست آورد.

پیروزی در کنت مونت کریستو

در رمانس کنت مونت کریستو لحن شخصیت‌ها در هنگام پیروزی نمودی محبت‌آمیز همراه با بخشش می‌گیرد به عنوان مثال می‌بینیم وقتی دانگلار «danglars» با نقشه کنت مونت کریستو ورشکست می‌شود و در بیچارگی دست و پا می‌زند می‌گوید: «آخر شما که هستید و اسم شما چیست؟ من ادمون دانتس می‌باشم. وقتی دانگلار آن نام را شنید فریادی زد و سر بر زمین نهاد و دیگر برنخاست. کنت گفت ای مرد گناهکار که من تو را بخشیده‌ام سراسر کن و

خوشوقت باش که زنده هستی و دیوانه نشده‌ای.» (دوما، ۱۳۸۹، ج ۳: ۷۴۵) با دقت در این عبارت به وضوح می‌توان لحن پیروزمندانه ادمون دانتس را درک کرد که خطاب به دانگلار می‌گوید «من تو را بخشیده‌ام» و پیداست که تنها افرادی می‌توانند این سخن را بر لب برانند که در اوج پیروزی باشند و مخاطب آن‌ها فردی شکست‌خورده باشد.

می‌توان اذعان کرد که لحن در سمک عیار و کنت مونت کریستو در پیروزی‌ها شادمانه و از سر غرور است، لحن در کنت مونت کریستو در موفقیت‌ها همراه با خوشحالی به تحقیر طرف مقابل می‌انجامد و به اندازه لحن در سمک عیار تند و گزنده نیست.

شکست در سمک عیار

در صحنه‌هایی از سمک عیار که پهلوانان شکست می‌خورند لحن شخصیت‌ها حالت غم و اندوه به خود می‌گیرد به عنوان نمونه خورشیدشاه بعد از نبردهایی طولانی که در سرزمین‌های دیگر برای عدالت‌خواهی انجام داد، به دست کرینوس برادر قاطوس به قتل رسید. او در لحظه مرگ چنین می‌گوید: «ای عالم‌افروز، چگونه شوی که احوال من ترا بگویند و این خواری کردن بر من بشنوی و کار من به گوش تو رسد؟ از من بدرود باش ای یار نیک و ای برادر عزیز و ای مهرپرور باوفا و ای نام‌گستر خوب‌سیرت، زینهار فرخ‌روز من در گردن تست که اگر از پشت من است فرزند مستحق تو بر وی بیش داری که من. ای دریغا که مرا زمان نمی‌دهند که بر خود و روزگار خود بگیریم. چون مرا به گریستن نمی‌گذارند شما بر من بگیرید که من شما را نیک بودم و مهربان و مرا سزاوار یاری و فرزند بودید.» (ارجانی، ۱۳۶۳، ج ۵: ۱۷۶) لحن خورشیدشاه در اینجا بسیار اندوهبار است و این مساله در خطاب قرار دادن‌هایش به خوبی درک می‌شود. همچنین کاربرد لفظ «ای دریغا» همراه با لحن سوزناکی به وضوح گواهی بر حالت شکست است.

شکست در کنت مونت کریستو

کنت مونت کریستو نیز از مقوله شکست خالی نیست و افرادی که در بدبخت کردن ادمون دانتس نقش داشتند، هم خودشان زیان دیدند و هم خانواده‌هایشان با نقشه «کنت مونت کریستو» از هم پاشیدند؛ نمود این امر در جایستی که کنت مونت کریستو برای رسوایی ویلفور فرزند نامشروع او را در مقابلش قرار می‌دهد؛ در این هنگام «بنه‌دو خطاب به ویلفور گفت: ای پدر، رییس دادگاه از من برای ثبوت اینکه پسر تو هستم دلیل می‌خواهد و آیا دلیل‌های آن را

بگویم یا نه؟ ویلفور با صدای بلند گفت از این جهت اقامه دلایل ضرورت ندارد که من حس می‌کنم که مبارزه‌ام بدون فایده است برای اینکه دست انتقام الهی گلوی مرا گرفته است و می‌فشارد و کسی که گرفتار پنجه انتقام خداوند شود چاره‌ای جز تسلیم ندارد» (دوما، ۱۳۸۹، ج ۳: ۶۳۹-۶۳۸) در اینجا عبارت‌هایی از جمله «دست انتقام الهی گلوی مرا گرفته است و می‌فشارد» و نیز «کسی که گرفتار پنجه انتقام خداوند شود چاره‌ای جز تسلیم ندارد» به خوبی لحن غالب بر این کلام و موقعیت شکست را تبیین می‌کند.

باید گفت که لحن شخصیت‌ها در شکست‌ها در سمک عیار و کنت مونت کریستو بسیار محزون و عذاب‌آور است. و لحن هر دو اثر بهم شبیه هستند؛ چون حالت غم‌انگیزی را به مخاطب انتقال می‌دهند.

تطابق لحن و صدای افراد با سن و سواد و فردیت و شخصیت

تطابق لحن و صدای افراد با سن و سواد و فردیت و شخصیت شامل سن و سواد، طبقه اجتماعی و فردیت و شخصیت در سمک عیار و کنت مونت کریستو می‌شود که در ادامه بررسی شده است.

سن و سواد در سمک عیار

بازتاب تناسب لحن با سواد شخصیت «هامان» در عبارت ذیل مشخص می‌شود: «مرزبان‌شاه گفت این خود اینک که تو می‌گویی راست. اما مرا می‌باید که در طالع من نگاه کنی از حساب فلک و تأثیر ستارگان تا مرا هیچ فرزند خواهد بود تا دل من بدان آرام گیرد؟ ... هامان وزیر خدمت کرد و گفت آنچه دانش بود از علم فلکی به جای آورد و طالع شاه را دید، و از حساب فلک شاه را فرزندی می‌نماید که پدیدار آید با مراد و کامرانی.» (ارجانی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲)؛ در این جا کاربست واژگانی مانند علم فلکی و طالع شاه به وضوح نشان می‌دهد که هامان سواد لازم در این زمینه‌ها را داشت.

سن و سواد در کنت مونت کریستو

در کنت مونت کریستو نیز می‌توانیم میزان دانش و تجربیات اشخاص را از روی لحن‌شان دریابیم. همانطور که در مورد دانشمندی به نام آبه‌فاریا که در زندان به سر می‌برد ولی در حال یادگیری زبان یونانی بود، چنین آمده است: «آبه‌فاریا گفت من پنج زبان زنده یعنی السنه آلمانی و فرانسوی و ایتالیایی و انگلیسی و اسپانیایی را می‌دانم و زبان یونانی قدیم را به طوری که

می‌دانید تحصیل کرده‌ام و با استفاده از یونانی قدیم به یونانی جدید پی بردم...دانتس گفت شما در این زندان با نبودن معلم، و کسی که زبان یونانی جدید را بداند چگونه، این زبان را تحصیل می‌نمایید. آبه فاریا گفت من تمام لغات یونانی جدید را که می‌دانم، طبقه‌بندی کرده‌ام و در آنها مطالعه نمودم تا این که توانستم با همین لغات جمله‌هایی درست کنم.» (دوما، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۱۳-۳۱۲)؛ در تک تک جملات مذکور می‌توان لحن حاکی از سواد و دانش بالای این شخصیت را درک کرد. اعتماد به نفسی که در این عبارت آخر وجود دارد، از اطلاعات فراوان آبه فاریا پرده برمی‌دارد.

با مقایسه نمونه‌های مذکور از سمک عیار و کنت مونت کریستو می‌توان گفت لحن شخصیت‌ها در سمک عیار و کنت مونت کریستو با توجه به نظر آن‌ها به مسائل، سن و سوادشان تخمین زده می‌شود، ولی در کنت مونت کریستو با اطلاعات و تجربیات شخصیت‌ها تشخیص سن و سوادشان، دقیق‌تر صورت می‌گیرد.

طبقه اجتماعی در سمک عیار

لحن شخصیت‌ها در سمک عیار گاهی طبقه اجتماعی آن‌ها را نمایان می‌کند؛ نمود این امر در داستان مورد بحث جایی که راوی می‌گوید: «در احوال زنان فرخ‌روز و بردن ایشان پیش قابوس چنین گوید خداوند حدیث و راوی قصه، که چون طومار و خوجان زنان فرخ‌روز [را] بیاوردند به خیمه خویش، در ساعت شاه قابوس از مصاف بازگشت. از آن هوس با شمشاد و پهلوانان به بارگاه آمد. گفت بروید و زنان فرخ‌روز [را] بیاورید. وزیر گفت: ای شاه، زینهار که ایشان دختران پادشاهان‌اند و زنان فرخ‌روز؛ نشاید که تو ایشان را بینی، خاصه در بارگاه.» (ارجانی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۳۲۴) در این عبارات، لحن هندوس وزیر با پادشاه رسمی و محترمانه است که این امر حاکی از طبقه اجتماعی بالای او می‌باشد.

تناسب لحن با طبقه اجتماعی عیاران نیز در آن‌جا مشهود است که وقتی سمک توسط دختر تیغوی جادوگر طلسم شده بود: «ملکه گفت ای سمک، تو دانی که جادوان عالم در دست تو اسیر بودند و چند جادو کشته‌ای و پریان عاجز تو بودند. و گفت آن همه زور و مردی و شطارت و حیلت و مکر و دستان تو همه برفت و فراموش کردی؟ اکنون زینهار میخواهی از من؟ عالم‌افروز گفت ای ملکه، مرا طعنه زبان مزن، دانم که شنیده باشی که چه کار در جهان کرده‌ام با جادوان و پریان» (همان، ج ۵: ۵۲۲) در پایان این عبارت لحن کنایه‌آمیز همراه با تهدید

ضمنی وجود دارد که از کلام سمک فهمیده می‌شود و با طبقه اجتماعی وی (عیاری) همخوانی دارد.

طبقه اجتماعی در کنت مونت کریستو

طبقه اجتماعی در لحن شخصیت‌های کنت مونت کریستو نیز قابل مشاهده است. مثلاً ادمون دانتس که با نام مستعار کنت مونت کریستو شناخته می‌شد مانند طبقه اشراف از رفاه و تمکن برخوردار شده بود و با سخاوت به آلبر و فرانز کمک کرد. «کنت دومونت کریستو»... گفت من از آقایان به مناسبت اینکه امروز خدمت‌شان نرسیدم معذرت می‌خواهم ولی نیامدن من ناشی از قصورم نبوده... آلبر گفت من و فرانز هم از دیدن شما خوشوقت هستیم و بر خود واجب دانستیم که امروز خدمت برسیم و از لطفی که به ما خواهید کرد تشکر نماییم زیرا لطف شما ما را از یک مشکل بزرگ نجات داد.» (دوما، ۱۳۸۹، ج ۱: ۷۳۲). با دقت در این عبارات به خوبی می‌توان لحن مؤذبانه کنت مونت کریستو را درک کرد؛ زیرا وی اکنون از اشراف بود و لحن وی به خوبی با طبقه اجتماعی‌اش تناسب دارد.

پس از تطبیق لحن و موقعیت در دو داستان مذکور چنین نتیجه‌گیری شد که طبقه اجتماعی در سمک عیار و کنت مونت کریستو از لحن شخصیت‌ها مشخص می‌شود.

فردیت و شخصیت در سمک عیار

منظور از شخصیت و فردیت، ویژگی‌های اخلاقی شخصیت‌هاست که از طریق رفتار و کردار آن‌ها نمایان می‌شود. به عنوان مثال در داستان سمک عیار وقتی خردسب شیدو به عنوان رسول از طرف خورشیدشاه به اردوی ارمنشاه و قزل ملک رفت، و با قزل ملک به مشاجره پرداخت. «خردسب شیدو گفت ای شاهزاده، تو کودکی و نمی‌دانی که چه می‌گویی. کار پادشاهان به پادشاهان رها باید کرد... و دیگر به حدیث مردی راست می‌گویی ما به نامردی از حلب آمده‌ایم. یک نشان دیدی و هنوز از آتش ما دودی به شما نرسید. چندین خلاق سر در خاک شد و در هزیمت آمدن باد شما را درنیافت. اگر تو به مردی دختر فغفور را آوردی ترا مبارک باد، اگر توانیم باز ستانیم و اگر نه ترا باشد، ما بازگردیدم و به ولایت خود باز رویم و در جهان تو مرد باشی» (ارجانی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۸۰) لحن خردسب شیدو در برخورد با قزل ملک مغرورانه است؛ زیرا الفاظ و عباراتی مانند «ای شاهزاده، تو کودکی و نمی‌دانی که چه می‌گویی» و «کار

پادشاهان به پادشاهان رها باید کرد» به کار می‌برد که پیداست در آن‌ها قصد دارد با تکبر زیاد طرف مقابل را تحقیر کند.

فردیت و شخصیت در کنت مونت کریستو

همانند آنچه که در سمک عیار مشهود بود، ویژگی‌های اخلاقی شخصیت‌های رمانس کنت مونت کریستو نیز در لحن‌شان قابل تشخیص است؛ به عنوان مثال نویسنده در توصیف آن لحظه‌ای که ادمون دانتس که در کسوت مرد انگلیسی به تجارتخانه مورل می‌رود و با او در مورد معاملات بازرگانی صحبت می‌کند، چنین می‌گوید: «مرد انگلیسی گفت آقای «مورل» شما تا امروز مردی شریف و درستکار بوده‌اید و همه از درستی و نیکی شما تعریف می‌کنند و آیا بعد از یک عمر صداقت و شرافت دوستانی ندارید که به شما کمک نمایند و مانع از ورشکستگی شما شوند. «مورل» تبسمی تلخ بر لب آورد و با لحنی محزون گفت آقا خود شما بازرگان هستید و می‌دانید که در معاملات، انسان، دوست ندارد و کسانی که انسان می‌شناسد فقط طرف معامله هستند.» (دوما، ۱۳۸۹، ج ۱: ۵۴۰).

با دقت در این عبارات مشخص می‌شود که سخنان مرد انگلیسی حاکی از وجهه اجتماعی و شخصیت مؤدب وی است، به ویژه آن‌جا که هنگام صحبت کردن با آقای مورل وی را انسانی شریف می‌داند و اعتراف می‌کند که او انسانی خوشنام می‌باشد.

پس از بررسی تطابق عنصر لحن با شخصیت و فردیت در سمک عیار و کنت مونت کریستو چنین استنباط می‌شود که در مواردی راوی برای شناساندن شخصیت‌های داستان به صورت دانای کل نامحدود ظاهر می‌شود و با توصیف ویژگی‌های اشخاص در معرفی آن‌ها به مخاطب کمک می‌کند؛ شخصیت و فردیت در هر دو اثر هم از زبان شخصیت‌ها و هم از زبان راوی، به هم شباهت زیادی به هم دارند.

جدول ۴-۱- تطبیق عنصر لحن در سمک عیار و کنت مونت کریستو

کنت مونت کریستو	سمک عیار	زیرمجموعه‌ی شاخص‌های قابل تطبیق لحن	شاخص‌های کلی قابل تطبیق عنصر لحن
در شادی‌ها لحن شاد و صمیمی می‌شود.	در شادی‌ها لحن شادمانه و مهربانانه می‌شود.	شادی	تطابق لحن افراد با موقعیت‌های خاص عاطفی داستان
در سوگواری‌ها لحن محزون و	در سوگواری‌ها لحن	سوگواری	

غم‌انگیز می‌شود.	محزون‌تر و اندوه‌بارتر می‌شود.		
در موقعیت‌های عاطفی لحن عاشقانه و هیجانی می‌شود.	در موقعیت‌های عاطفی لحن احساسی و تأثیرگذارتر می‌شود.	عاطفی و عاشقانه	
در مشاجرات لحن تمسخرآمیز و گاهی ترحم‌آمیز می‌شود.	در نبردها لحن تهدید و تمسخرآمیز می‌شود.	جنگ‌ها	پرداخت ساختماندهی لحن در فراز و فرودهای روایت به نحوی که ایجاد فضا کند
در پیروزی‌ها لحن شاد و مغرورانه می‌شود.	در پیروزی‌ها لحن مغرورانه همراه با شادی می‌شود.	پیروزی‌ها	
در شکست‌ها لحن پشیمانی نمود دارد.	در شکست‌ها لحن شکوه و شکایت‌آمیز می‌شود.	شکست‌ها	
با توجه به تحصیلات لحن امیدوارانه می‌شود.	با توجه به تجربیات لحن امیدوارانه می‌شود.	سن و سواد	تطابق لحن و صدای افراد با سن و سواد و فردیت و شخصیت
نظر به منش لحن محترمانه می‌شود.	نظر به منش لحن محترمانه می‌شود.	طبقه اجتماعی	
نظر به شخصیت لحن مودبانه و گاهی بی‌ادبانه می‌شود.	نظر به شخصیت لحن مودبانه و گاهی بی‌ادبانه می‌شود.	فردیت و شخصیت	
بین عامیانه و رسمی در نوسان است و بیشتر به رسمی متمایل است.	بین عامیانه و رسمی در نوسان است و بیشتر به عامیانه گرایش دارد.	عامیانه و رسمی	تطابق لحن کلی (راوی)

نتیجه‌گیری

با مطالعه و بررسی متن سمک عیار و کنت مونت کریستو و گزینش تعدادی شاهد مثال از هر دو اثر، چنین استنتاج شد که هرچند دو اثر سمک عیار و کنت مونت کریستو از نظر زمانی، فرهنگی، اجتماعی از دو ملیت متفاوت خلق شده‌اند، ولی از نظر لحن، علی‌رغم تفاوت‌های جزئی که دارند، شباهت‌های کلی و زیادی میان آن دو نیز دیده می‌شود؛ در تطبیق لحن افراد با موقعیت‌های خاص عاطفی در سمک عیار و کنت مونت کریستو، به صورت شادی، سوگواری، عاطفی و عاشقانه، با لحن شادمانه، محزون و احساسی و عاشقانه نمود دارند. لحن شادمانه در سمک عیار بیشتر از زبان راوی وصف می‌شود، در حالی که در کنت مونت کریستو بیشتر از

لحن شخصیت‌ها نمایش داده می‌شود. لحن محزون در سمک عیار سوزناک‌تر و دردناک‌تر است اما لحن عاطفی و عاشقانه در هر دو اثر نمود قوی دارد؛ در سمک عیار لحن احساسی با جملات موزون و جذاب‌تری درک می‌گردد. در تطبیق پرداخت ساختمانده لحن در فراز و فرودهای روایت به نحوی که ایجاد فضا کند، لحن شخصیت‌ها در جنگ‌ها، پیروزی‌ها، شکست‌ها در هر دو اثر مذکور به خوبی نمایش داده شده‌اند، لحن شخصیت‌ها در جنگ‌های سمک عیار به صورت تهدیدآمیز و تمسخرآمیز و در کنت مونت کریستو به صورت فلسفی با استدلال و گاهی تمسخر و تحقیر همراه است؛ لحن شادی با غرور به واسطه موفقیت در جنگ‌های طولانی بیشتر در سمک عیار و در کنت مونت کریستو لحن شادی با غرور و ترحم مشاهده می‌شود. لحن شکوه و شکایت در سمک عیار در حین توصیف صحنه‌های شکست و در کنت مونت کریستو به همراه حالت پشیمانی و ناراحتی نمود دارد. به طور کلی باید گفت لحن در هر دو اثر منتخب با فراز و فرودهایی به فضا سازی در روایت منجر شده است. همچنین باید گفت که لحن صمیمی در سمک عیار بیشتر و در کنت مونت کریستو کمتر است، حال آن که لحن امیدوارانه در هر دو اثر منتخب نمودی بارز دارد و به طور کلی باید گفت لحن هر دو اثر در شناخت شخصیت‌های موقر و لایالی به مخاطب کمک شایانی می‌کند، ضمن این‌که هرچند لحن کلی در هر دو اثر منتخب بین عامیانه و رسمی در نوسان است، اما در سمک عیار بیشتر به عامیانه گرایش دارد و در کنت مونت کریستو اغلب لحن رسمی مشهود است.

منابع

کتاب‌ها

- آذر، امیر اسماعیل، ۱۳۸۷، *ادبیات ایران در ادبیات جهان*، تهران: سخن.
- ارجانی، فرامرزن خداد عبدالله. (۱۳۶۲). *سمک عیار*، تصحیح دکتر پرویز ناتل خانلری، تهران: آگاه.
- اسکولز، رابرت. (۱۳۹۵). *عناصر داستان*، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: مرکز.
- افخمی، عقدا، جمشیدی، فاطمه، و آموزگار، صفورا. (۱۳۹۵). *بازتاب سه آیین صعلوکی، عیاری و شوالیه‌گری در آینه‌ی ادبیات*، یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
- ایرانی، ناصر. (۱۳۸۰). *هنر رمان*، تهران: آبانگاه.

بیر، جیلین. (۱۳۸۹). *رمانس*، ترجمه سودابه دقیقی، تهران: مرکز.
جمال الدین، محمد سعید. (۱۳۸۹). *ادبیات تطبیقی*، ترجمه سعید حسام پورو حسین کیانی،
دانشگاه شیراز: شیراز.

۲۵۷

داد، سیما. (۱۳۹۲). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، تهران: مروارید.
دوما، الکساندر دوما. (۱۳۸۹). *کنت مونت کریستو*، ترجمه ذبیح الله منصور، تهران:
نگارستان کتاب.

کیا، خجسته. (۱۳۷۵). *قهرمانان بادیا در قصه‌ها و نمایش‌های ایرانی*، تهران: انتشارات مرکز.
گویارد، ام. اف. (۱۳۷۴). *ادبیات تطبیقی*، ترجمه علی اکبر خان محمدی، تهران: پازنگ.
میرصادقی، جمال الدین. (۱۳۹۲). *عناصر داستان*، تهران: سخن.

مقالات

امینی، هانیه، خدادادی مهاباد، معصومه، و چگنی، اشرف. (۱۴۰۰). *واکاوی تطبیقی عناصر داستان در رزمنامه زال و رودابه و تراژدی نمادگرایی پله آس و میلنراند. تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی*، ۱۳ (۴۹)، ۴۱-۱۱.

رضوانیان، قدیسه، و محمودی نوسر، مریم. (۱۳۹۲). *بررسی لحن در تاریخ بیهقی، کهن‌نامه ادب پارسی*، ۴ (۳)، ۱۳۹-۱۱۳.

صحرايي، قاسم، حیدری، علی، و میرزایی مقدم، مریم. (۱۳۹۰). *لحن، صحنه‌پردازی و فضا ابزار انتقاد و اعتراض بیهقی، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*، ۳ (۳)، ۹۴-۷۵.

References

Books

Afkhami, A., Jamshidi, F., & Amouzegar, S. (2016). *Reflection of the three rituals of Saluki, Ayyari, and Knights in the Mirror of Literature*, Yazd: Yazd University Press.

Arjani, F. Kh. A. (1983). *Samak the Ayyar*, Corrected by Dr. Parviz Nathal Khanlari, Tehran: Agah Publication.

Aza, A. E. (2008). *Iranian literature in the world literature*, Tehran: Sokhan Publication.

Bir, J. (2010). *Romance*, Trans. Sudabeh Daghighi, Tehran: Nashremarkaz.

Daad, S. (2013). *Dictionary of Literary Terms*, Tehran: Morvarid Publication.

Duma, A. (2010). *The Count of Monte Cristo*; Tran. Zabihullah Mansouri, 3 Volumes. Tehran: Negarestan bookstore.

Goyard, M.F. (1995). *Comparative Literature*, Tran. Ali Akbar Khanmohammadi, Tehran: Pajang press.

Irani, N. (2001). *Novel Art*, Tehran: Abangah Publication.

Jamaluddin, M. S. (2010). *Comparative Literature*, Trans. Hussampur, Saeed & Kiani, Hossein; Shiraz: Shiraz University press.

Kia, Kh. (1996). *Fleet heroes in Iranian Stories and shows*, Tehran: Nashremarkaz.

Mirsadeghi, J. (2013). *Story Elements*, Tehran: Sokhan publication.

Scholes, R. (2016). *Story Elements*, Trans. Farzaneh Taheri, Tehran: Nashremarkaz.

Articles

Amini, H., Khodadadi Mahabad, M., & Chegeni, A. (2021). Comparative View of the Story Elements in the Battle of Zal and Rudabeh and the Tragedy of Pelléas and Mélisande. *Interpretation and analysis of Persian language and literature texts*, 13(49), 11-41.

Rezvanian, Gh., & Mahmoudi Noorsar, M. (2013). Review of Tone in Bayhaqi's History, KohanNameh. *Ancient History of Persian Literature*, 4(3), 113-139.

Saharai, Q., Heydari, A., & Mirzaei Moghaddam, M. (2011). Tone, Scene and Space: Bayhaqi's Criticism and Protesting Tools. *Persian Language and Literature Research*, 3(3), 75-94.

Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)

Volume 16, Number 60, Summer 2024, pp.238-259

Date of receipt: 27/8/2022, Date of acceptance: 26/10/2022

(Research Article)

DOI:

Analytical and Comparative Study of the element Tone in Samak-E Ayyār and the Count of Monte Cristo

Tahereh Hassani¹, Dr. Mohammad Ali Davoudabadi Farahani², Dr. Mohammad Reza Qari³

Abstract

Tone analysis is a topic that attracts researchers' attention in studying literary works. In this way, the tone of the text is evaluated in terms of its proportionality or incompetence with the theme and content of that text. The current article studies the comparative analysis of the tone in the Romances of Samak-E Ayyār and The Count of Monte Cristo. Samak-E Ayyār is one of the most well-known works of Persian prose literature from the sixth century A.H., and Alexander Duma wrote the Count of Monte Cristo in the nineteenth century A.D. In this comparative study and written with a descriptive-analytical approach and citing library resources, the tone application method has been analyzed in the two works. According to the research findings, Samak-E Ayyār is more commonly used in the folk tone, while the Count of Monte Cristo has a formal tone. The tone of people adapts to special emotional situations in the story, such as joys, mourning, and romantic events, as well as elements such as age and literacy, social class, individuality, and characters. The tone creates a perfect atmosphere in the rise and falling of the narrations. (wars, victories, and defeats)

Keywords: Tone, Romance, Comparative Literature, Samak-E Ayyār, the Count of Monte Cristo.

¹ . Instructor of Persian Language and Literature Department, Payam Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding author) Hassani1401@pnu.ac.ir

² . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran. m-davoodabadi@iau-arak.ac.ir

³ . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran. M-qhari@iau-arak.ac.ir